

سال ۲۰۱۸ به آمریکا محسوب می‌شود. محمد بن سلمان در جریان این سفر در دفتر کار با ترامپ دیدار کرد، در اتاق جلسات رئیس‌جمهور ناهار خورد و عصر در یک ضیافت رسمی شرکت کرد. ترامپ پس از دیدار گفت‌او جلسه‌ای موفق با ولیعهد سعودی داشته است: «او دوست نزدیک من است و در کاخ سفید احترام زیادی دارد.» او از عربستان به‌خاطر سرمایه‌گذاری ۶۰۰ میلیارد دلاری در ایالات متحده تشکر کرد و افزود: «امیدوارم این مبلغ به یک تریلیون دلار برسد.» از سوی دیگر، ولیعهد عربستان گفت کشورش قصد دارد میزان سرمایه‌گذاری خود را در ایالات متحده به حدود یک تریلیون دلار افزایش دهدو تأکید کرد که عربستان به آینده‌ای مشترک با آمریکا باور دارد، فرصت‌های واقعی در حوزه هوش مصنوعی ایجاد می‌کند و به نیمه‌رساناها نیاز دارد.

عربستان سعودی در حال تبدیل شدن به ستون اصلی ژئواستراتژی جدید ایالات متحده در دولت ترامپ است. واشنگتن ریاض را نه‌تنها به عنوان یک وزنه سنگین در خاورمیانه، بلکه به عنوان کشوری می‌بیند که مقیاس اقتصادی و توان دیپلماتیک آن می‌تواند ابتکارات جهانی ایالات متحده را تقویت کند. در همین حال، عربستان به کاخ سفید ترامپ نیاز دارد تا طرح صلح ۲۰ ماده‌ای غزه را به مرحله اجرا درآورد تا مانع اصلی بر سر راه ایجاد یک معماری امنیتی جدید منطقه‌ای را از میان بردارد. برای تحقق این امر، کاخ سفید ترامپ باید بین الزامات امنیتی اسرائیل و پیشرفت در جهت خودمختاری فلسطین تعادل برقرار کند.

سفر دیروز محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی به واشنگتن - که اولین سفر او در هفت سال گذشته به واشنگتن محسوب می‌شود - قرار است نشان دهنده یک تغییر اساسی در روابط ایالات متحده و عربستان سعودی باشد، با این توقع که ولیعهد عربستان و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور، چندین توافق استراتژیک مهم را نهایی کنند. یک روز پس از دیدار ترامپ و ولیعهد، یک اجلاس بزرگ سرمایه‌گذاری در مرکز کندی برنامه‌ریزی شده است که تقریباً ۱۰۰۰ مقام سعودی از جمله تقریباً همه وزیران سعودی در آن شرکت می‌کنند. شرکت در این نشست با این سطح حضور، نشان دهنده قصد ریاض برای پیوند دادن تحولات اقتصادی خود با روابط تجاری عمیق‌تر با ایالات متحده است. همچنین انتظار می‌رود این سفر منجر به ایجاد یک توافق دفاعی شود که حفاظت آمریکا از پادشاهی را تضمین می‌کند. علاوه براین، نقش احتمالی ایالات متحده در توسعه انرژی هسته‌ای عربستان و همکاری‌های گسترده در هوش مصنوعی، نیمه‌رساناها و مواد معدنی حیاتی به عنوان حوزه‌هایی که برای رقابت استراتژیک بلندمدت ایالات متحده با چین محوری هستند، مدنظر است. پیش از این سفر، خالد بن سلمان، وزیر دفاع عربستان، جلسات سطح بالایی را در واشنگتن برگزار کرد، و جارد کوشنر، داماد ترامپ و معمار اصلی توافق نامه ابراهیم، برای مشورت با ولیعهد به ریاض سفر کرد. این اقدامات نشان دهنده زمینه‌سازی دیپلماتیک فشرده از سوی هر دو طرف است.

توافق نامه ابراهیم همچنان مهمترین موضوع در روابط ایالات متحده و عربستان سعودی است که محاسبات دیپلماتیک و استراتژیک را شکل می‌دهد. تنها چند هفته قبل از حملات حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، ولیعهد عربستان

تحت تأثیر رقابت بین واشنگتن و تهران بوده است و ایران هم به سادگی و زیرکی بر رقیب ابرقدرتش قافق می‌آمد. پس از حمله‌ای که به رهبری ایالات متحده در سال ۲۰۰۳، صدام را سرنگون کرد، سیاست عراق تحت غلبه اکثریت شیعه‌اش بوده است و بسیاری از این احزاب، روابط نزدیکی با ایران، قدرت شیعه منطقه، برقرار داشته‌اند؛ اما حالا واشنگتن دست بالا را دارد. این تا حدی به این خاطر است که جمهوری اسلامی ایران و متحدانش در جنگ کوتاه سال جاری با اسرائیل، ضربات سختی خوردند. علاوه برآن، خشکسالی سنگینی که مرکز کشاورزی ایران را تهدید می‌کند، توجه حاکمان را در تهران به خود جلب کرده است. بحران اقتصادی روبه‌تشدید را که نتیجه تحریم‌های ایالات متحده و سوءمدیریت بوده نیز در نظر بگیرید؛ آن وقت محدودیت‌های نفوذ ایران مشخص می‌شود.

این‌ها کمک می‌کند معلوم شود چرا بازیگران مهم سیاست عراق، شامل آن‌هایی که به طور سنتی با ایران هماهنگ بوده‌اند، حرف‌هایی آشتی‌جوانه در باره ایالات متحده می‌زنند. سودانی خود را در موضع فردی قرار داده که واشنگتن می‌تواند برای عقب‌نگه‌داشتن تهران به او اعتماد کند. باز هم جالب‌تر، موضع گروه سیاسی مرتبط با شبه‌نظامیان عصاب اهل الحق است. عصاب اهل الحق، دشمنان قسم‌خورده قدیمی ایالات متحده بوده‌اند اما حالا این گروه موضعی گرفته

حاکمی از هم‌پویشانی با اهداف ایالات متحده. محمود الربیعی، سخنگوی عصاب به نیویورک تایمز گفته است: «ما باور نداریم بی‌ثباتی عراق یا ناآرامی در آن، به نفع آمریکایی‌ها باشد.» سؤال این است که آیا دولت ترامپ می‌تواند از این چرخش قابل‌توجه در حال و هوای عراق بهره‌برد یا نه. واشنگتن روزنه‌ای بی‌سابقه یافته تا از طریق آن بتواند بر آینده سیاست عراق تأثیر بگذارد؛ به‌نحوی که در راستای منافع ایالات متحده باشد؛ اما بهره‌بردن از این فرصت نیازمند مهارت دیپلماتیک، دانش منطقه‌ای و توجه مستمر است. در انبان دولت ترامپ و دستگاه سیاست خارجی او، این‌ها اقلامی کم‌یاب هستند.

استیو ویتکاف و جرد کوشنر، همواره اولین گزینه‌های دونالد ترامپ،

و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، علناً اذعان کردند که مذاکرات عادی‌سازی در مرحله پیش‌رفته‌ای قرار دارد. این روند به‌طور ناگهانی متوقف شد؛ زمانی که حمله حماس باعث واکنش نظامی گسترده اسرائیل شد که منجر به مرگ ده‌ها هزار غیرنظامی، آوارگی بیش از ۲ میلیون نفر و نابودی زیرساخت‌های غزه شد. مقیاس ویرانی در غزه، بازگشت عربستان سعودی به توافقات را از نظر سیاسی و دیپلماتیک با مشکل مواجه کرده است، به‌طوری‌که ریاض حالا اصرار دارد هرگونه عادی‌سازی روابط منوط به تعهد اسرائیل به «مسیری معتبر و برگشت‌ناپذیر به سوی تشکیل کشور فلسطین در آینده» است.

با آگاهی از محدودیت‌های عربستان و تحت فشار سایر کشورهای عربی و مسلمان که انتظار می‌رود نیروهایی را به نیروی بین‌المللی تثبیت (ISF) برای غزه اعزام کنند، کاخ سفید ترامپ در ۱۳ نوامبر قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را اصلاح کرد. این اقدام بلافاصله تنش‌هایی را برای دولت نتانیاهو ایجاد کرد، زیرا دو روز بعد، اعضای راست افراطی کابینه، ایتمار بن گویر، وزیر امنیت ملی و بزالل اسمورتیچ، وزیر دارایی، علناً از نخست‌وزیر خواستند که هرگونه به‌رسمیت شناختن کشور فلسطین را رد کند. در ۱۶ نوامبر، نتانیاهو در شبکه اجتماعی ایکس مجدداً تأکید کرد که مخالفت اسرائیل با تشکیل کشور فلسطین بدون تغییر باقی‌مانده است و تأکید کرد که غزه باید غیرنظامی شود و حماس «به روش آسان یا سخت» خلع سلاح شود. در همان روز، وزرای امور خارجه و دفاع او نیز موضع او را تکرار کردند و مقاومت یکپارچه کابینه در برابر لحن قطعنامه را نشان دادند و محدودیت‌های سیاسی داخلی در مورد امتیازات اسرائیل را برجسته کردند.

چنین پیچیدگی دیپلماتیکی به روشن شدن این موضوع کمک می‌کند که چرا عربستان سعودی احتمالاً تا پایان دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ به توافق ابراهیم خواهد پیوست. با این حال، ترامپ در ۱۴ نوامبر گفت که «امیدوار است» ریاض «به‌زودی» به این توافق نامه بپیوندند، که این امر بیش از آنچه احتمال رخ دادنش زیاد باشد، صرفاً قصد کاخ سفید را منعکس می‌کند. از نظر سعودی‌ها، تعامل با راست افراطی‌ترین و نامحبوب‌ترین دولت در تاریخ اسرائیل، ارزش استراتژیک اندکی دارد، به‌ویژه با توجه به اینکه انتخابات در اسرائیل کمتر از یک سال دیگر برگزار می‌شود و احتمال ظهور یک شریک مذاکره‌کننده باثبات‌تر در سمت اسرائیلی وجود دارد. علاوه بر این، تمرکز فوری ایالات متحده بر عملیاتی کردن طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ برای تثبیت غزه، شرایط لازم برای پیشرفت معتبر به سمت عادی‌سازی را بیشتر به تأخیر می‌اندازد.

با این اوصاف، عربستان سعودی نیروهایی را به عنوان نیروهای امنیتی داخلی غزه اعزام نخواهد کرد. در عوض، عربستان نقش عمدتاً دیپلماتیک و مالی را بر عهده خواهد گرفت؛ به‌طوری‌که از بازسازی حمایت می‌کند، ترتیبات حکومتی را شکل می‌دهد و اجماع منطقه‌ای را به سمت نتیجه دو کشوری هدایت می‌کند. توافق نامه دفاع متقابل استراتژیک که اخیراً با پاکستان امضا شده است و انتظار می‌رود ذیل آن تعداد قابل توجهی از نیروها به غزه اعزام شوند، به ریاض نفوذ غیرمستقیم، آن‌هم بدون قرار گرفتن در معرض خطر نظامی

رئیس‌جمهور آمریکا در موضوع خاورمیانه بوده‌اند؛ اما این دو فعلاً پیگیر غزه و اسرائیل هستند و همان هم به اندازه کافی سرشان را شلوغ کرده. پیگیری توافقات تجاری برای ایالات متحده و معاملات برای گروه تجاری ترامپ با دول نفتی حاشیه خلیج [فارس] بماند. برای عراق، ترامپ مارک ساوايا، تاجری اهل دیترویت را منصوب کرده که رگ و ریشه عراقی دارد اما تجربه دیپلماتیک هیچ. سیاستمداران برجسته عراقی از انتصاب ساوايا استقبال کردند و این امیدوارکننده بود. او عربی بلد است، فرهنگ عراقی را می‌شناسد و روابط خانوادگی دارد که ممکن است ارزشمند از کار درآیند؛ اما این مقطع نیازمند فردی است که کیاست دیپلماتیک درجه یکی هم داشته باشد. برای تحقق اهداف ایالات متحده، این فرد باید بتواند با احزاب شیعی کار کند، بدون اینکه سنی‌ها یا کردها را از خود براند. باید بتواند نفوذ ایران را عقب بزند، بدون اینکه سیاستمداران عراقی را به آغوش تهران هل دهد و نیز باید بتواند ماریج اداری واشنگتن را طی کندو اعتماد بغداد را نیز حفظ.

از زمان سقوط صدام، مسیر یابی در میانه پیچیدگی‌های فرقه‌ای، قومی و منطقه‌ای در سیاست عراق، هم برای دیپلمات‌های کارکشته مثل جان نگر و پوتنه و زلمای خلیل‌زاد و هم برای تازه کارهای مرتبط مثل پل برمر، بیش از حد سخت از کار درآمده است. نشانه چندانی در سابقه ساوايا نیست که بگوید اومی‌تواند مذاکرات ظریف ائتلاف را که پیش‌روست مدیریت کند یا بین منافع متعارض ایالات متحده در عراق تعادل برقرار کند، یعنی بین مقابله با تروریسم، مهار نفوذ ایران، حفاظت از سرایان آمریکایی، حفظ شرکات‌ها در حوزه انرژی و حمایت از توسعه دموکراسی؛ با این حال، نمی‌توان انکار کرد که مسیر سیاست عراق در جهت دردش در تهران و نزدیک‌شدن به واشنگتن پیش می‌رود. ضعف ایران فضا را برای رهبران عراقی فراهم کرده که در روابط خود، بازتنظیمی داشته باشند. منصوب ترامپ، قوی‌ترین موقعیت را در میان تمام نمایندگان ایالات متحده در امور عراق دارد، باید دید آن را هدر می‌دهد یا نه.

نگران‌کننده‌ترین نکته ابهام‌آفرین، غیبت مقتدی صدر است، روحانی قدرتمند

می‌دهد. از نظر ولیعهد عربستان، این روند با انتظار ترامپ مبنی بر اینکه عربستان سعودی داینامیک‌های ژئوپلیتیکی گسترده‌تر اعراب را مدیریت خواهد کرد، همسو است و عملاً عربستان را در مرکز هرگونه تلاش بلندمدت برای هدایت مسیری مناسب به‌سوی تشکیل کشور فلسطین قرار می‌دهد. این رویکرد کاخ سفید ترامپ با ژئواستراتژی جهانی آمریکا سازگار است. هدف واشنگتن ایجاد شبکه‌ای از شرکا است که مسئولیت اصلی ثبات در محیط استراتژیک مربوطه خود را بر عهده بگیرند و در نتیجه تقاضاهای عملیاتی از ارتش ایالات متحده را کاهش دهند. با این حال، از نظر ریاض، این تغییر، آسیب‌پذیری بیشتری ایجاد می‌کند، زیرا عربستان باید بار امنیتی منطقه‌ای بیشتری را به دوش بکشد در حالی‌که فاقد توانایی‌های لازم برای انجام این کار است. به همین دلیل است که عربستان سعودی توافق نامه دفاعی متقابل با پاکستان را دنبال کرده و به دنبال امضای یک توافق دفاعی رسمی با ایالات متحده مشابه توافقی است که اخیراً آمریکا با قطر امضا کرده است تا خطرات ذاتی ناشی از تغییر استراتژیک آمریکا را جبران کند.

عربستان سعودی از تضعیف نسبی قابلیت‌های ایران در طول جنگ با اسرائیل، از جمله کاهش موقت توان تهران، اطمینان خاطر می‌گیرد. با این حال، ریاض باید از داینامیک‌های داخلی در حال تغییر درایران و نزدیکی احتمالی ایران به واشنگتن را که می‌تواند منجر به توانبخشی تدریجی تهران - و بازگشت یک قدرت استراتژیک- شود، آگاه باشد.

در نهایت، عربستان سعودی محدودیت‌های دخالت ایالات متحده در منطقه را تشخیص می‌دهد و می‌داند که واشنگتن به جای مدیریت مستقیم همه بحران‌ها، صرفاً نظارت را در اولویت قرار خواهد داد. این امر مستلزم آن است که ریاض نقشی فعال در شکل‌دهی به نتایج، به‌ویژه در مواردی که ثبات منطقه‌ای و منافع استراتژیک با هم تلاقی می‌کنند، بر عهده بگیرد. اولویت فوری عربستان، رهبری تلاش‌ها برای ایجاد ثبات در غزه و مدیریت داینامیک‌های گسترده‌تر مربوط به خودمختاری فلسطین است. از دیدگاه واشنگتن، ایالات متحده تا حد زیادی توقف خصومت‌ها را تضمین کرده و ساختارهای اولیه را ایجاد کرده است، اما انتظار دارد عربستان سعودی و سایر شرکای عرب و مسلمان مسئولیت هماهنگی با اسرائیل و حفظ ثبات منطقه‌ای بلندمدت را بر عهده بگیرند. این رویکرد تدریجی، مسیری ارگانیک‌تر و بالقوه پایدارتر را برای کشورهای عرب و مسلمان فراهم می‌کند تا در نهایت روابط خود را با اسرائیل عادی‌سازی کنند، دستیابی به این هدف ایالات متحده به تلاش‌های هماهنگ بین همه ذینفعان برای ایجاد یک چارچوب پس از درگیری که آرمان‌های فلسطینیان را پوشش دهد، بستگی دارد. در حال حاضر، الزامات استراتژیک اسرائیل تا حد زیادی با الزامات جهان عرب و مسلمان ناهمسو هستند و تنش‌های مداومی را ایجاد می‌کنند. در نتیجه، حتی با اینکه واشنگتن به دنبال کاهش بار عملیاتی مستقیم خود است، همچنان نظارت و هدایت تغییرات دگروگن‌کننده در هر دو طرف برای اطمینان از اینکه پیشرفت تدریجی به سمت عادی‌سازی، هم معتبر و هم بادوام است، برایش ضروری خواهد بود.

شیعه از هوادارانش خواست این انتخابات «معیوب» را تحریم کنند. صدر شهری بسزا به عنوان بازی خراب‌کن دارد: پیش‌بینی ناپذیر، دارای ظرفیت بسیج اعتراضات گسترده و مایل به اسفاده از خشونت، جایی که مناسب اهدافش باشد. این تحریم، مشروعیت دولت بعدی را تضعیف می‌کند و بخش بزرگی از جمعیت شیعه عراق را فاقد نمایندند بر جامی‌گذار. تصمیم ایت‌العظمی علی سیستانی مبنی بر اینکه فراخوان سنتی اش برای مشارکت رأی‌دهندگان را اعلام نکند، این دغدغه را بیشتر می‌کند. صدر همچنان می‌تواند نقشی سازنده ایفا کند یا می‌تواند منظر بماند تا دولت بعدی شکل بگیرد و بعد اعتراضاتی را بسیج کند، با خواسته انحلال آن دولت. پیش‌بینی ناپذیری او، تعمدی است، از این رو که به این شکل، نمی‌شود او را بابت تاکامی‌های سیستم مقصر دانست اما او همواره می‌تواند مدعی شود که توانسته این سیستم را سرنگون کند.

انتخابات عراق، هیچ کدام از مشکلات بنیادین این کشور را حل نکرد. مذاکرات تشکیل دولت طولانی و درهم‌پورهم خواهد بود. هر دولتی که از آن سر بر آورد، با موانعی ساختاری مواجه خواهد شد که دست و پای همه دولت‌ها پس از ۲۰۰۳ را بسته‌اند. نظام مُحاصَصه (سه‌میة‌بندی) همچنان ریشدار است. فساد میلیاردها دلار از جیب دولت هدر می‌دهد. اقتصاد به شکل خطرناکی به درآمدهای نفتی متکی است.

اما آنچه اهمیت دارد این است: عراق انتخابات نسبتاً آزاد و منصفانه برگزار کرد. سیاستمداران در کارزارهای خود، به جای تأکید صرف بر نارضایتی‌های فرقه‌ای، ایده‌هایشان برای سیاست‌گذاری را تبلیغ کردند. برای اولین بار هم پس از دو دهه، موج سیاست عراق در جهت دوری از تهران و به سمت واشنگتن حرکت می‌کند. این فقط یک فرصت دیپلماتیک نیست، نقطه عطفی بالقوه در رابطه آشفته آمریکا با عراق است.

اینکه آیا دولت ترامپ از این بزنگاه بهره‌برداری می‌کند یا نه، بسته به این است که ساوايا بتواند، موفق‌تر از اسلافش، در صحنه سیاست عراق راه خود را بیابد؛ اما بر خلاف همه نمایندگان پیش از او، ساوايا خلاف جهت جریان شنا نخواهد کرد.

رهبران عراقی می‌خواهند با واشنگتن کار کنند. نفوذ ایران هرگز ضعیف‌تر از حالا نبوده است. این فرصتی واقعی است. سؤال این است: آیا ایالات متحده، مهارت دیپلماتیک و توجه مستمر لازم برای غنیمت‌شمردن آن را دارد؟

#### دیپلمات‌ها



### پیام پزشکیان درباره حج بود

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به سوال خبرنگاران راجع به ادعای رئیس‌جمهور آمریکا درباره مذاکره با ایران، گفت: «در حال حاضر هیچ فرآیند مذاکراتی بین ایران و آمریکا وجود ندارد.» اسماعیل بقایی تصریح کرد: «همان‌طور که وزیر امور خارجه نیز بارها تأکید کرده‌اند مذاکره با طرفی که قاتل به‌دوسویه بودن امر مذاکره نبوده، به عمل خلاف خود در تجاوز نظامی علیه ایران و کشتار فرزندان ایران مباحثات می‌کند و به‌وضوح به دنبال دیکته‌کردن خواسته‌های خود است، توجیه منطقی ندارد.» سخنگوی وزارت امور خارجه درباره پیام ارسالی از سوی رئیس‌جمهور ایران به ولیعهد عربستان و ارتباط آن با سفر ولیعهد سعودی به آمریکا گفت: «پیام رئیس‌جمهور به ولیعهد عربستان که توسط رئیس‌ جدید سازمان حج و زیارت کشورمان تسلیم شده است، صرفاً محتوای دوجانبه داشته و حاوی قدردانی جمهوری اسلامی ایران از عربستان به‌خاطر خدمات ارائه‌شده به حجاج ایرانی در جریان مراسم حج سال گذشته و اهمیت استمرار همکاری‌ها و هماهنگی‌ها برای برگزاری موفق مراسم حج امسال بوده است.»

#### شرایط را ما تعیین می‌کنیم



رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، شرط لازم برای هر گونه مذاکره با آمریکا را رعایت اصل برابری و احترام متقابل خواند و تأکید کرد: «برای روشن بودن موضوع و روند مذاکره، از پیش باید در مورد دستور کار مذاکره توافق شود.» سیدکمال خرازی در گفت‌وگو با بسی‌ان اظهار داشت: «آنها باید اولین گام را بردارند و نشان دهند که آماده تعامل با ما بر اساس شرایطی هستند که ما تعیین می‌کنیم.» وی توقف غنی‌سازی اورانیوم را غیرقابل قبول خواند و گفت: «ما باید غنی‌سازی خود را ادامه دهیم. زیرا نیازمند تولید سوخت برای نیروگاه‌های خود و همچنین فعالیت‌های پزشکی خود هستیم. بنابراین نمی‌توانیم غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کنیم، اما درجه غنی‌سازی می‌تواند موضوع مذاکره باشد.» وی برنامه موشک‌های بالستیک ایران را غیرقابل مذاکره خواند و گفت: «آنها مسئله‌ای که ما آماده تعامل درباره آن با ایالات متحده و دیگران هستیم، مسئله هسته‌ای است. ما با دیگران در مورد سایر مسائل، از جمله فعالیت‌های موشکی خود، گفت‌وگو نخواهیم کرد و از آنچه بتوانیم در جهت ارتقای موشک‌هایمان انجام دهیم، غفلت نخواهیم کرد.» خرازی در مورد ترامپ گفت: «اگر او رویکرد مثبتی را آغاز کند، قطعاً با بر خورد متقابل ما روبرو خواهد شد. برای این کار آن‌ها باید از هرگونه توسل به زور علیه ایران خودداری کنند. آن‌ها آن را قبلاً امتحان کرده‌اند و اکنون می‌دانند که زور کارگر نیست.»

#### آماده ادامه میانجی‌گری هستیم



رئیس اداره شورای همکاری خلیج فارس و گفت‌وگوی منطقه‌ای در وزارت خارجه عمان گفت: «احتمال ادامه میانجی‌گری بین ایران و آمریکا به منظور تکمیل مذاکرات غیرمستقیم در طرف وجود دارد.» شیخ احمد بن هاشل الـسـکـری افزود: «وزارت خارجه عمان و ایران، همواره با یکدیگر در ارتباط هستند و هرگاه فرصتی فراهم شود، مذاکرات غیرمستقیم میان تهران و واشنگتن با میانجیگری مسقط ادامه خواهد یافت.»